

در حضور «عباس کیارستمی» و «بیل ویلا» اجرا شد

گفت‌و‌گو با آب‌جوش



علیرضا امیرحاجبی

در آخرین روزهای سال ۱۳۹۱ و در حالی که همگی مشغول آماده شدن برای استقبال از مراسم نوروز بودند، دو رویداد هنری قابل توجه و تکان‌دهنده از دید رسانه‌ها پنهان ماند، رویدادهایی که می‌توانند نماینده فعالیت‌ها و تفکرات نسل هنرمندان جوان مفهومی باشند. این دو رویداد در حوزه هنر پرفورمنس متعلق به شیرین عبدینی‌راد، هنرمند مفهومی و طراح لباس ایرانی بود که در سال گذشته آثار متنوعی را در زمینه ویدیو آرت، چیدمان و پرفورمنس در ایران و چند کشور دیگر به مخاطبانش ارائه داد. عبدینی‌راد در مراسم اختتامیه جشنواره فیلم ایباف در شهر مورسیا در جنوب اسپانیا که از چهارم تا نهم مارس برپا و هنرمند نامی کشورمان عباس کیارستمی نیز به دعوت مدیران جشنواره، یک کارگاه آموزشی ویدیوآرت برپا کرده بود، با اجرای یک پرفورمنس سراسر خشونت که به بیل ویلا ویدیو آرت‌نیست برجسته آمریکایی تقدیم شده بود، بار دیگر نشان داد که هنر اجرایی اگر اصیل باشد می‌تواند هر فرد و گروهی را تحت‌تاثیر قرار دهد.

عابدینی‌راد در این‌اجرا که ویولا به همراه جمع زیادی از میهمانان جشنواره و مردم عادی نظاره‌گر آن بودند، از مخاطبان خواست تا مقدار زیادی آب‌جوش که در فلاسکه‌هایی بود را بر روی او بریزند. خواسته‌ای غیرقابل تصور و به‌شدت خطرناک که می‌توانست آسیب‌های جدی و عمیقی را بر وی وارد کند. عبدینی‌راد پذیرفت تا بدن خود را مورد آزمایشی اجرایی قرار داده تا به نمایندگی از همه انسان‌های دردمند مقاومت

خود را در برابر چنین کنشی در معرض دید مخاطبان بگذارد.

اجرای وی یک نمونه هولناک از شاخه هنرهای «هیان‌کنشی» بود. تقاضای وی با پاسخ مثبت بسیاری از مخاطبان مواجه و این چنین شکستجه آغاز شد. شکستجای خودخواسته که انسان را به یاد اعمال برخی فرقه‌های مسیحی در قرون وسطی در ایتالیا می‌اندازد.

آزمایشی برای «خود» که به شکلی غریزی خواستار صیانت جان و نفس است و نیز آزمونی برای مخاطبان. جالب توجه اینکه وقتی از مخاطبان شرکت‌کننده پرسیده می‌شود که چرا آب‌جوش روی اجراگر می‌ریزند، پاسخ داده‌اند که فکر کردیم مراتض هندی است و در حالت خلسه دردی را احساس نمی‌کند.

خوشبختانه نتیجه این دقایق زجرآور و کلبوس‌وار به سوختگی درجه سه خلاصه شد. اما این ماجرا دستاوردهای دیگری نیز داشت. اول آنکه وی ثابت کرد که هنوز بدن و جان هنرمند در ابعاد و اشکال مختلف می‌تواند عرصه تاخت‌وتاز زبان و بیان دغدغه‌های فرهنگی و هویتی هنرمند و جامعه‌اش باشد. هنرمند نماینده است؛ نماینده و زبان گویای مردم. او از اجتماع جداافتاده نیست؛ برج عاج نشین نیست؛ با مردم است و برای مردم زنده است و موقعیت تراژیک انسان را به انسان نشان می‌دهد؛ زجرهای انسانی را و از همه مهیتر سکوت معنی‌دار و عمیق انسان را.

عابدینی‌راد در طی این اجرا کوچک‌ترین واکنشی از خود نشان نداد نه فریادی و نه آنچنان حرکت شدیدی. این سکوت و عدم واکنش، خود تبدیلی به کنشی درخشان و تکان‌دهنده شد. با اینکه خشونت خودخواسته این اجرا به‌قدری عیان و شدید بود که



حسین عبد‌الله‌شاه‌پور

۲۸ اسفند، دویی یک یا تهران شده بود؛ چه بسا ملی‌تر از ایران! شب عید باستانی ایرانیان، وقتی گالری‌های تهران بسرای یک‌ماه به تعطیلات می‌رفتند، در ایستگاه گشایش «آر فت» بین‌المللی دویی، مهم‌ترین گالری‌های این شهر در DIFC (قلب تجاری خاورمیانه)، هنرمندان ملیت‌های اینجا و آنجا را کنار گذاشتند و دیوارهای بزرگ و وسیع خود را به نمایش آثار هنرمندان ایرانی اختصاص دادند: «پرویز کلاتری» و «علی شیرازی» در «ری را گالری»، «فشین بیرهاشمی» در «ایام گالری»، «فریده لاشایی» در «فرجام گالری» و منتخبی از آثار حدود ۴۰ هنرمند ایران از نصرالله افجهای و حسین زنده‌رودی تا سمیرا علیخان‌زاده و امیرحسین حشمتی... در «اپرا گالری» در این واتفسای سیاسی که می‌گویند «ایران هراسی» را چون ویروس‌بی به هرکس و هرجایی انتقال دهند، این صف آرای غرورآفرین هنر ایرانی آن‌هم در ویتترین پر نمایشی دویی را به ضرب و ترغند هیچ دیپلماسی نمی‌توان سروس شکل داده، این نشانگاه تثبیت مارکت هنری است که سرآمدی‌اش را بر منطقه پیرامونش، دیکته کرده است؛ جالب‌تر اینجاست که این گالری‌های مستقل از دیگری با سلايق خاص خود، چیدمانی از هنرمندان ایران را برگزیده‌اند که بر بویایی تحولات هنری ایران در یک قرن اخیر صحنه می‌گذارند: از بیرهاشمی ۳۸ساله تا شیرازی ۲ساله و تا کلاتری ۸۲ساله! حسن اتفاق آنکه یکی معاصر و فیگوراتیو دیگری مثل لاشایی، غایت انتزاع و آبستره، سرآمدهای نقاشی خط تا مجموعه‌ای از هنرمندان جوان‌تر که در اپرا گرهم آمده‌اند تنوع این مارکت را تایید و تاکید می‌کنند. نکته دیگر، دغدغه از همیشه جدی‌تر شدن فرآیند ارزآوری است؛ حتی نفت نیز در این زمینه به لکنت دچار شده است، در این روزگار غریب که یک درهم به هزار تومان رسیده و یک دلار، ۳۵۰۰ تومان مایه تعجب نکس نمی‌شود. تفکر و اندیشه هنرمند ایرانی، حصار همه تحریم‌ها را پس می‌زند و با ارایه فرهنگ و نگاه خود در قالب یک اثر هنری، معنویات و مادیات را با هم ساز می‌کنند... چنانکه بارها و بارها پیش از اینها نوشتهام، این رشد و قد کشیدن، مروهون توانمندی بخش خصوصی در زمینه هنرهای تجسمی است که می‌توان با حمایت مدون و برنامه‌ریزی شده از آن به سبتر شدن ریشه‌های این درخت جوان یاری رساند.

تجسمی



فضایی متعلق به همه مردم جهان. این اجرای موفقی بود برای بیان سکوت و عناصری که انسان هر روزه با آن مواجه است، از جمله فشارهای شدید روحی و جسمی. اجرای عبدینی‌راد یک «ضدکنش» توانفرسا بود. ضدکنش از جمله سخت‌ترین اشکال اجرایی است که در بسیاری از موارد با شکست مواجه می‌شود اما در اجرای این هنرمند درک صحیح از فضاسازی و ایده‌ساز اجرایی باعث موفقیت این اثر شده بود. وی هیچ معنای سرراستی را به مخاطبان تحمیل نکرده و با پرتاب خود به درون سکوت و سکون یکی از بنیادین‌ترین ضدکنش‌های فیزیک و طبیعت را به نمایش گذاشت. درست همان‌گونه که جان کجیح و مارینا آبراموویچ سکوت و سکون را به نمایش گذاشتند. این اجرا با نام «هروج» نسخه جدید و به‌روز شده همان حرکات و ایده‌های آوانگارد‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ام در فضا و زمانی ایرانی بود.

شاید ضدکنش اجرایی عبدینی‌راد چیزی میان سکوت و سکون ذن بودیسم باشد. چیزی میان مفهوم و ضدمفهوم در نوسان است. اجرای وی روی دیگری از سکه حیات بشری و هستی بود که متضادهای خود را با خود حمل می‌کند. انسان به‌طور غریزی به صدا و حرکت بیشتر می‌اندیشد و واکنش نشان می‌دهد. شاید وقت آن رسیده است تا به آنتی‌ت‌ر‌های بنیادین نیز توجه بیشتری کنیم.

در مجموع هر دو اثر عبدینی‌راد نشان داد که هنرمندان مفهومی در ایران از حالت انفعالی چند سال گذشته خارج شده‌اند و رو به آینده در حرکت هستند. اما پرسش این است که چگونه می‌توان این حرکت‌ها را پویا نگه داشت؟ پاسخ در دست خود هنرمندان است. هنرمندان جوان که میراث گذشتگان را در دست دارند.

مخاطب زل زده‌اند و برخی‌شان با هفت‌تیر، بیننده خود را نشانه رفته‌اند؛ زنایی که گویا در تاریخی نامعلوم، مظلوم قرار گرفته‌اند و اکنون در رویارویی با جامعه مردسالار، آشفته‌حال و پریشان‌رو چنانکه از آفتشاش لب‌س و میمیک و بی‌روانشان پیداست با نگاه‌های تیز و درنده، رستی گرفته‌اند تا دیگر مورد هجوم قرار نگیرند؛ زنایی که هفت‌تیر می‌کشند اما نه برای کشتن که برای دفاع و کشته نشدن. خطن‌نوشته‌های همیشگی آثار بیرهاشمی این‌بار عریان‌تر شده‌اند و از گوشه و کنارهای فیگورها به فضاهای خالی بوم‌های او راه یافته‌اند، برای آنها که در دویی، فارسی می‌دانند، خولدن «این خانه سیاه است» در تابلویی که تنها کلمات «خله» و «است» در آن پیداست چندان دشوار نیست، به‌خصوص آنکه سه زنی که جلوی این خط نوشته که به دیوار نوشته‌های بد خط و زغالی شبیه است) ایستاده‌اند بخت‌هایی از صورت خود را پوشانده‌اند و هر یک در دیگری درهم تنیده تا شاید خورهای که به جانشان افتاده یا بی‌دفاعی خویش را پنهان کنند. نمایشگاه نقاشی‌های بیرهاشمی که بیستم اسفند آغاز شده تا پنجم اردیبهشت به روی دیوار «ایام گالری» در محوطه اصلی گالری‌های DIFC به تماشا خواهد بود.

In memory of Lashai
از دیدن دو اثر در این مجموعه بسیار گرانبها بهترده می‌شوید: نخست ویدیوآرت «El Amal» یا همان «بهار عربی» که ۲۵ اکتبر ۲۰۱۲ در حراج کریستیز ۷۲هزار دلار به فروش رسید تا افتخار نخستین ویدیوآرت به فروش رسیده در یک حراج در خاورمیانه هم به نام یک هنرمند ایرانی، آن هم بانوی ایرانی به ثبت رسد؛ اثری که دیکتاتوری را در عنوان بهار عربی به سخره گرفت و صدای «لم کلثوم»‌های مصری را جوادانه و پیروز خواند و اثر جالب توجه دیگر این مجموعه، اثری فیگوراتیو از «مصق» است که در سال ۲۰۰۹ زنده‌یاد لاشایی خلق کرده و اسناد نقاش تلاش کرده چندان از روح آبستره آثارش جدا نباشد.
Opra gallery
این روزها هم در «اپرا گالری» مجموعه‌ای برگزیده از هنر ایران به روی دیوار است که از نقاشی و نقاشی‌خط در آن وجود دارد تا مجسمه و عکس. مجموعه‌ای که پیداست حلقه وصلش همین عنوان «هنرمندان ایران» است و به جهت سبک و روایت آثار، از هر گلدستی ۱۱ اثر رایجه البته که به‌رینه بارویکرد فروش در اپرا گالری تناسل دارد. در طبقه نخست آثار بزرگ‌تر و در طبقه پایین معمولاً آثار با ابعاد کوچک‌تر و قیمت‌های پایین‌تر دیده می‌شوند که البته در مقایسه با قیمت آثار همین هنرمندان در تهران بسیار بالا به نظر می‌رسند. مثلاً قیمت یک عکس کوچک از امیرحسین حشمتی که در تهران حدود یک‌ونیم تا دومیلیون تومان است، ۱۱ هزاردرهم، لیبل خورده است. این جلادوی دویی است که در آن توریست‌های چندقارهای وول می‌خورند.

حول حانا

تنها چند روزی از دعای «حول حالنا» تحویل سال گذشته، امیدوارم گزارش این شکوه هنر ایرانی در قلب کشورهای عربی برای تحول دیدگاه بدبینان کافی باشد؛ به‌ویژه آنکه هفته بعد چهاردهمین دوره حراج کریستیز در دویی برپا می‌شود و عرب‌ها با پول‌های نفتی و ترک‌ها با پول‌های بانک‌های خصوصی و دولتی‌شان در اندیشه شکستن رکوردهای ایرانی خواهند بود که به لطف خریسداران بین‌المللی همچنان طلايه‌داری می‌کنند به این امید که روزی سیاست‌گذاران کلان فرهنگی کشور به خود آیند...

مکعب سفید

گالری‌ها همچنان در تعطیلات



سحر آزاد

تعطیلات نوروزی گالری‌ها به پایان رسیده و به‌نظر می‌رسد با شروع سومین هفته فروردین گالری‌ها و نمایشگاه‌های تجسمی به‌مرور به روال عادی خود بازگردند. البته آنچه این روزها در هفته سوم فروردین شاهدیم خلاف این است

و به‌نظر می‌رسد گالری‌ها همچنان در تعطیلات به‌سر می‌برند. با تمام اینها یکی از نمایشگاه‌هایی که در این ایام می‌توانید به دیدن آن بروید، نمایشگاه گروهی خط‌نقاشی در گالری ساربان است. خط‌نقاشی، هنری میان خط و نقاشی است که بازگوکننده بخشی از هویت و فرهنگ ایرانی نیز هست، در سال‌های اخیر آثار هنرمندان ایرانی در این زمینه مورد توجه بازارهای جهانی قرار گرفته است و در ایران هم علاقمندان زیادی دارد. این نمایشگاه «خط‌منقش»

نام دارد که از جمعه ۲۳ فروردین به مدت ۱۸ روز در گالری ساربان برگزار می‌شود و در آن آثار پیمان پیروی، علیرضا جوادی، روح‌الله حسین‌زاده، هادی روشن‌ضمیر، علیرضا سعادت‌مند، غلامحسین صابونچی، عظیم فلاح، علی گنجی، مهرداد مشهور و سعید نقاشیان به روی دیوار می‌رود. برای تماشای این آثار می‌توانید تا ۱۹ دی‌بهشت همه روزه به‌جز سشنیبه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به گالری ساربان واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان صابونچی (مهدیان)، کوچه مهماندوست، پلاک ۸ مراجعه کنید.

همچنین اگر دوست دارید از حوزه‌های دیگر هنرهای تجسمی هم آثاری ببینید یا به گرافیک علاقمند هستید، می‌توانید از نمایشگاه «هفته طراحی گرافیک ایران» بازدید کنید. این نمایشگاه به همت انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران و با حمایت ایکوگرا‌دا (انجمن بین‌المللی طراحان گرافیک)، بیش از ۲۰۰ اثر از ۱۳۰ هنرمند را برای نخستین بار در ایران به معرض دید عموم می‌گذارد. معرفی برنامه‌های سالانه انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، سخنرانی مهمان خارجی، رونمایی کتاب، همایش پژوهشی و برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی و بین‌المللی در حوزه گرافیک بخشی از برنامه‌های این هفته است. مهدی مهدیان، دبیر «هفته طراحی گرافیک» هم در خصوص برگزاری این هفته گفته است: «برگزاری این نوع هفته‌ها، سال‌هاست که در شهرهای بزرگ دنیا مرسوم است. یکی از مهم‌ترین اهداف آن ارزش‌گذاری، معرفی، آشنایی و ارتباط هرچه بیشتر مردم با کارکردهای گرافیک و همچنین افزایش درک عموم، نسبت به نقش و تاثیر آن در زندگی معاصر است. مراسم افتتاحیه «هفته طراحی گرافیک ایران ۱۳۹۲» ساعت ۱۷ روز ۲۷ فروردین در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود و تا پنج‌م‌اردیبهشت ادامه‌دار.

از دیگر نمایشگاه‌هایی که در اولین ماه بهار برگزار می‌شود، نمایشگاه نقاشی‌های گیتی خرنسندونقیسه‌دیباج در گالری شکوه است. ۲۸ اثر رنگ روغن از گیتی خرنسند در ابعاد متفاوت و موضوعی انتزاعی دارند، در این نمایشگاه روی دیوار رفته است. خرنسند در انتزاع کامل، هرآنچه به ذهنش رسیده، روی بوم آورده است. او دکترای جامعه‌شناسی سیاسی‌شده و از پاریس گرفته و جزو انتخاب‌شدگان رويسال آکادمی آرت پاریس است که در دانشگاه‌های مختلف در ایران تدریس می‌کند. تالیف و ترجمه بیش از ۱۰ کتاب از دیگر فعالیت‌های او بوده است. نقیسه دیباج نیز در این نمایشگاه ۱۱ اثر رایجه البته که به‌طریق گالری تابلو در تهران و بعضی از آثار با موضوع گل و بخشی از آنها مفهومی هستند. آثار او میکس‌مدیا و دارای ابعادی متفاوت هستند. دیباج، فارغ‌التحصیل رشته گرافیک و در دو نمایشگاه انفرادی شرکت داشته است.

این نمایشگاه تا چهارشنبه ۲۸ فروردین درحال برگزاری است و علاقه‌مندان می‌توانند همه روزه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ از گالری شکوه واقع در خیابان فرمانیه، اندرزگو، کوچه سلیمی شمالی، کوچه امیرنوری، پلاک ۱۹ دیدن کنند.

کرباس خاکستری

بازگشت کلاسیک‌های هلندی

زیبای بیدار



پرویز براتی

اخیراًموزه‌ریکس آمستردام که پس از مدتها تعمیر و مرمت آماده پذیرایی از آثار مهم نقاشی هلند شده اعلام کرده که تادمتی دیگر گنجینه اصلی خود را به نمایش خواهد گذاشت. هزینه عملیات بازسازی این موزه که توسط دو تن از هنرمندان معمار اسپانیایی از گروه کروز و اورتیس به انجام رسیده است به چیزی حدود چهارصدوهشتادمیلیون دلار بالغ می‌شود. سبک گوتیک و رنسانسی این بنا کاملاً و مانند نقشه اصلی آن مرمت شده و منتظر ورود مخاطبان است. این بنا در سال ۱۸۸۵ توسط پییر سوپرس طراحی و ساخته شد. موزه ریکس آمستردام دارای گنجینه‌ای بسیار نفیس است که شامل بیش از هشت هزار شی هنری از ۸۰۰سال پیش به این سوا است. ۸۰ اتاق این موزه ۱۵۰۰متری مخاطب هنر را از دالان‌های قرون وسطی عبور داده و به اتوبان هنر معاصر و هنرمندانی چون پیت موندریان می‌رساند.

در مرکز این موزه یکی از نفیس‌ترین آثار رامبراند، نقاش پراوازه هلندی یعنی تابلوی «گنجهائی شب»، چشم هر بیننده را خیره می‌کند. از دیگر آثار هنرمندان بزرگ هلندی می‌توان به نقاشی‌های قرن هفدهمی ورمیر و فرانس هالس که نمایندگان عصر طلایی نقاشی هلند هستند اشاره کرد. دورانی که امپراتوری هلند به لحاظ تجاری بر سراسر دنیا استیلا داشت و رونق اقتصادی این کشور باعث شده بود هنرش نیز اعتلای صدچندان یابد. به همین دلیل بود که ثروتمندان هلندی با سفارش آثار مختلف نقاشی ناخواسته باعث گسترش و اوج‌گیری این هنر در هلند شدند. این اوج‌گیری در مقایسه با هنر مسیحی و انجیلی ایتالیا در دوران رنسانس چند پله بالاتر ایستاده است. نوعی جنگ پنهان بین هنر هلند پروتستان و هنر ماقبل آن یعنی نقاشی، معماری و مجسمه‌سازی کاتولیک ایتالیایی و اسپانیایی.

به گفته مدیران موزه تمام ساختمان تغییراتی کرده از جمله: دیواری که نقاشی «گنجهائی شب» بر آن آویخته شده از دیوار قبلی بلندتر است تا عظمت اثر رامبراند بهتر دیده شود. این تغییرات، روحی دیگر به موزه ریکس داده است؛ موزه‌ای زیبا و خوب می‌دانیم که زیبایی می‌تواند به خواب رود و آنگاه که به آهستگی بیدارش کنیم باز می‌توان درخشش آن را مشاهده کرد.

اما یکی از دردرس‌های مهم طراحی مجدد موزه ایجاد مسیری تونل مانند بود که به شکل زیرگذر از بخشی از موزه می‌گذشت. مدیران موزه علاقه‌ای به بازگشایی این تونل نداشتند. از طرفی دیگر شهرداری با مسدود شدن تونل مخالفت می‌کرد و کار به حدی بالا گرفت که قرار بر این شد تا بر مبنای یک همه‌پرسی برای این تونل تصمیمی گرفته شود اما در نهایت تصمیم شهرداری اجرا شد.

نزدیکی دو موزه ون گوگ و امستدلیک مدرن که حدود ۹سال از بازسازی آن می‌گذرد به موزه ریکس باعث آن شده تا مدیران این موزه‌ها به جلب نظر و استقبال مردم امیدوارتر شوند. این سه موزه قرار است در یک همکاری سه جانبه به معرفی یکدیگر به مخاطبان بپردازند.

اما در این بین و از راهی دیگر نیز می‌توان به ارزش و اعتبار نقاشی هلند در جهان پی برد. گزارش جدید وب‌سایت معتبر آرت اینفو با نگاهی به کتاب سالانه رکورد گینس مشخص می‌کند که رکورد دفعات سرق‌ت یک اثر هنری مربوط است به آثار نقاشان هلندی. در صدر این فهرست دو نام بزرگ هلندی به چشم می‌خورد؛ ابتدا ژان ون آیک و دیگری رامبراند. نقاشی چهره ژاکوب دی گین سوم که در سال ۱۶۳۲ خلق شده با رکورد چهاربار سرق‌ت در رتبه دوم قرار گرفته است و تابلویی از ون آیک با شش‌بار سرق‌ت در رتبه نخست.

اولین سرق‌ت در ۱۹۶۶ توسط یک گروه رباينده صورت می‌پذیرد. محل سرق‌ت گالری دولویچ لندن بود. طی این سرق‌ت ۹ اثر نقاشی از جمله آثاری از رامبراند و رینس دزدیده می‌شود. مدت بسیار کمی پس از این سرق‌ت تابلوی رامبراند در پارکی پیدا می‌شود و بقیه آثار نیز در گورستان قدیمی توجه عابرین را به خود جلب کرد.

دومین سرق‌ت شبیه به یک شوخی مضحک است زیرا سارق، بازدیدکننده‌ای است که به راحتی تابلوی کوچک رامبراند را زیر پیراهن خود پنهان کرده و از گالری خارج می‌شود. وی به سرعت در خیابان دستگیر می‌شود زیرا تابلو را در سبد جلوی دوچرخاش گذاشته بود. وقتی از وی می‌پرسند چرا دست به این سرق‌ت زده است پاسخ می‌دهد: «تابلو و چهره این مرد مرا یاد مادرم می‌اندازد»

سومین سرق‌ت در ماه‌های پایانی ۱۹۸۱ روی می‌دهد البته سه هفته بعد پلیس تابلو را می‌یابد. مأموران اسکاتلندیارد تابلو را در یک تاکسی با چهار مسافر پیدا می‌کنند. در نهایت هم گفته می‌شود این چهار نفر ربطی به سرق‌ت نداشته‌اند.

چهارمین سرق‌ت مربوط است به سال ۱۹۸۳. شب سال تحویل که همراه است با جشن و پایکوبی فراوان در لندن. سارقان به‌وسیله طباب از راه پشت بام وارد گالری می‌شوند. سروصدای جشن سال نو مانع از شنیده شدن به موقع آژیر هشدار می‌شود. وقتی پلیس متوجه ماجرا شد و به محل آمد سارقان فرار کرده بودند. تابلو در هشتم اکتبر ۱۹۸۶ در شهر مونستر آلمان کشف و به لندن باز می‌گردد.



تابلویی از رامبر اند که چهار بار به سرق‌ت رفت